

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ملالی موسی نظام  
سپتمبر ۲۰۰۸

## به جواب سؤال محترم منیر احمد دادجو در مورد

### استعمال اصطلاح "افغانستانی"

#### پاسخ سؤال دوم

محترم آقای منیر احمد دادجو، در ماه جولای سال جاری در سایت وزین «آزمون ملی» ضمن انتقاداتی بر یکی دو مضمون اینجانب، سؤالاتی را هم در موضوعات گوناگونی، بگفته خودشان بصورت "عجولانه" مطرح نموده بودند که به قسمتی از آن در جوابیه ای که تحت عنوان "بجواب محترم منیر احمد دادجو" ارائه نمودم، در سایتهای آزمون ملی، دعوت و "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به نشر رسید. اعتقاد و باور برین است که انتقاد سالم جزء آزادی های فکر و بیان بوده و باعث افشاء گری و رفع سوء تفاهمات میگردد، بشرط اینکه انتقاد و دفاعیه هر دو با استدلال منطقی، مراعات اصل بیطرفی و در بسا مسائل مخصوصاً با پشتیبانی و اتکاء به واقعیت های تاریخی همراه باشد. یقین دارم که آقای منیر احمد دادجو در قسمت دلائلی که در مورد سؤال ایشان بر قهرمانی «احمد شاه مسعود»، یکی از قومندانان و جنگ سالاران افغان از جبهه پنجشیر، ارائه گردید، به قناعت مطلوب رسیده اند، چون اثبات نقیض استدلال و شواهد تاریخی ارائه شده از طرف اینجانب، از قلم ایشان منتشر نگردید.

آقای دادجو هم چنان پرسیده بودند که به نظر و عقیده من چه تفاوتی میکند که اصطلاح «افغانستانی» برای یک قسمتی از مردم ما استعمال؟!» گردد. چون ایشان سؤالات متعددی را عجولانه و مسلسل مطرح نموده بودند که هر کدام نه تنها بحث جداگانه ای را ایجاب مینمود، بلکه از نقطه نظر ارزش و اهمیت ملی آن موضوعات، لازم بود که بر هر کدام روشنی جداگانه انداخته شود.

با عرض معذرت از تأخیر در ارائه جواب، برای قسمت دوم سؤال ایشان که معضله استعمال کلمه "افغانستانی" به عوض کلمه رسمی، پذیرفته شده و پر محتوای «افغان» که مظهر وحدت ملی و معرف ملت واحد ما به حکم قانون هم است، میپردازیم:

درین قسمت باید گفت که خوشبختانه استعمال اصطلاح نامانوس «افغانستانی» که بوی کثیف تفرقه اندازی بین اقوام بهم برابری افغان از آن همیشه به مشام میرسید، همانطوری که بحیث یک محصول وارداتی، از خارج افغانستان توسط گروهی از بیهویتان مروج گردیده بود، مانند خس سر آب، در اثر نداشتن علل و انگیزه ملی و مردمی و منطق و استدلال، همانطوری که آمده بود، ناپدید گردیده است، ولی چون آقای دادجو هنوز هم علاقه مندی به کنار زدن خاکستر، ازین آتش نفاق گرایی میباشند، ناگزیر توجه ایشان را به مضمون اینجانب در کانفرانسی که در ماه اگست سال ۲۰۰۶ میلادی در منطقه سان فرانسسکو برای بزرگداشت از وحدت ملی و امحای تفرقه اندازی دائر گردیده بود، جلب مینمایم. امیدوارم جواب ایشان در لابلای متون مضمون ذیل مضمور بوده و قناعت شان کاملاً حاصل گردد.

سؤال سوم آقای منیر احمد دادجو که ارتباط به ورود و استعمال اصطلاحات ایرانی در لسان اصیل دری افغانستان میباشد، ان شاءالله در آینده جواب داده خواهد شد.

## وحدت ملی و ترویج اصطلاح "افغانستانی"

حضار محترم، میرمن ها و آقایان، امیدوارم احترامات صمیمانه مرا بپذیرید. جای خوشی است که بدعوت جمعیتی از هموطنان و خیرگان ملی گرا در محفلی که بمنظور تحکیم وحدت ملی، امحای تبعیض و تفرقه اندازی و در مجموع برای یک پارچگی ملت شریف افغان دایر گردیده است، اشتراک مینمایم. با اجازه شما، سخن را با گلچینی از احساس قلبی شاعر پر مایه افغان محمد نسیم اسیر آغاز مینمایم:

بنیازم همت مام وطن را	به دامن پروریده تو و من را
کهن بوم و بـــر پر افتخارم	همان افغان سیتان نامدارم
به این نام است شان و شوکت ما	ز "افغان" پایه های وحدت ما
بنام قوم اگر باهم ستیـــزیم	بنای وحدت از بنیاد ریزیم
مباش اندر پی ویرانی خود	اساس بی سرو سامانی خود
"اسیر" آرزومند تو گوید	به عجز و انکسار از تو بجوید
که گر پرسد کسی از تو نشانی	بگو "افغان"، مگو "افغانستانی"

به همة ما معلوم است که در افغانستان جنگزده ویران، در پهلوی مشکلات بیشمار سیاسی و اجتماعی، معضله عدم وجود یک وحدت ملی واقعی که بتواند تمام اقوام شریف مملکت را متحد و همگام بسازد، کاملاً محسوس میباشد. گذشته از نابسامانی های سه دهه جنگ و اثرات نا فرجام آن، جامعه افغانی همچنان با مشکلات بیشمار اجتماعی و تحریکات مغرضانه روبرو میباشد، چنانچه در اثر عدم وجود یک حکومت مرکزی قوی و عدم استقرار سیاسی که سبب انهدام و ویرانی بنیادی در افغانستان شده است، برای دشمنان و همسایگان طماع باز هم زمینه تجاوزات مکرر را چه مستقیم و چه توسط عمال داخلی شان امکان پذیر ساخته است. شراندازی دائمی پاکستان، مداخلات ابدی روسیه و گماشتگان داخلی وابسته به آن، دسائس پنهان و آشکار آخوندهای ایران و جواسیس آنها همه و همه برای یک هدف مشترک که امحای اتحاد ملی و دامن زدن به تفرقه های قومی و لسانی مردم ماست، صورت میگیرد. از نگاه حقوقی، تمام مردمی که در ساحه جغرافیایی افغانستان بسر میبرند و در مقابل قانون دارای حقوق و وجایب مساوی هستند، «افغان» میباشند.

بنابراین، در مجموع همه باشندگان مملکت بهر نژاد، قوم، دین و مذهبی که متعلق باشند و به هر لسانی که تکلم نمایند، تحت اسم واحد و افتخار آفرین «ملت افغان» شناخته میشوند.

در گروپ تفرقه اندازان ملی یکی هم باید از جمعیت کوچکی یاد آور شد که مذبحخانه در تلاش جداسازی اقوام شریف افغانستان از همدیگر میباشند. مشاجره از آنجا آغاز یافت که برخی از شاگردان جاسوس ایرانی «چنگیز پهلوان» از هویت «افغان» منکر شدند و خود را «افغانستانی» نامیدند، این مطلب ظاهراً ساده کلیه ارزش های وحدت ملی را که طی صدها سال با نام «افغان» شکل گرفته و استحکام یافته است، به سؤال مواجه میسازد. اینان که خود نظر به غیرقانونیت ادعای شان از یکطرف و نامانوس بودن اصل مفکوره از جانب دیگر، میدانند که مبارزه ای چنین بی محتوی، راه بجایی نمیببرد، باز هم نظریه وابستگی عمیق آنان به همسایه غربی افغانستان، در تضعیف روحیه وحدت ملی در مجادله و تلاش اند. این گروه که بر گذشته خیلی دور استناد ناقصی مینمایند، ادعا دارند که چون در گذشته به اصطلاح کلمه "افغان" برای اکثریت "پشتون" استعمال میگردید، امروز نباید دیگر اقوام مملکت تحت این اسم پر افتخار گنجانیده شوند. اینان درین مقطع حساس تاریخ، تمام مشکلات اساسی و بنیادی ملت و مملکت را به فراموشی سپرده بار «افغانستانی» نامیدن خویش علم تفرقه و دوگانگی را بر افراشته اند. اقلیت مذکور انگشت رد به تمام ارزش های وحدت ملی می گذارند، که در پناه آن قرون متمادی اقوام شریف افغانستان در اتحاد کامل با اسم پر افتخار ملت مبارز "افغان" از ناموس وطن دفاع نموده اند، منجمله از شکست بریتانیای کبیر در قرن ۱۹ و ۲۰ و شکست شرم آور اتحاد شوروی سابق، یاد آور میگردیم که مبارزه و جهاد مقدس یک ملت متحد را تثبیت مینماید.

در مورد تحلیل لغوی کلمه «افغانستانی» باید گفت درحقیقت کلمه افغانستان که مرکب از واحد «افغان» و پساوند «ستان» میباشد، معنای "سرزمین افغانان" را میدهد. بدون هیچ شک و شبهه ای، عنصر اصلی ترکیب افغانستان همانا کلمه «افغان» است. وقتی که کلمه «افغانستان» با چنین شرط و شاخصهائی ترکیب گردید، دیگر نمیتوان «ی» نسبت را در آخرش افزود و کلمه «افغانستانی» را ساخت،

به امید اینکه بدیل و جانشین کلمه «افغان» قرار گیرد. همان قسمی که وقتی ترکیب «انگلستان» از کلمات «انگلیس» و «ستان» پدید گردید، دیگر نمیتوانیم کلمه «انگلستانی» را بسازیم و بجای «انگلیس» استعمال نماییم. منطق سلیم و منطق زبان که گرامر نامیده میشود، همین حکم را میکند، اما «افغانستانی» - گویان «کجا و منطق زبان کجا؟؟» بلی گیرماندن در گرداب نفرت و تعصب قومی و زبانی و رفتن در خندق بیگانه پرستی، آزادی تفکر و تعقل انسان را به تاراج میبرد. حال ببینیم استعمال کلمه غیر مجاز «افغانستانی» از نگاه حقوقی چه عواملی را بار می آورد و نتیجه گیری از آن بجز از تضعیف مفکوره وحدت ملی و تفرقه قومی چه میتواند باشد :

**اول - از نگاه حقوق اساسی :** درین مورد قانون اساسی ۱۳۸۲ هجری شمسی مطابق به ۲۰۰۳ میلادی چنین صراحت دارد :

« ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی، و سائر اقوام میباشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه «افغان» اطلاق میشود. فصل اول - ماده چهارم.» بنابراین در مجموع همه باشندگان مملکت بهر نژاد، قوم، دین و مذهبی که متعلق باشند و بهر لسانی که تکلم نمایند، تحت اسم واحد و افتخار آفرین «ملت افغان» شناخته میشوند. چون مواد قانون اساسی تنها توسط احضار لویه جرگه و اشتراک نمایندگان مردم افغانستان قابلیت تغییر و تعدیل را دارا میباشد، برای قانونی ساختن استعمال کلمه «افغانستانی» که از هرگونه ارزش حقوقی مبراست، همچنان باید لویه جرگه که عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان است، احضار گردد. بنابراین، «افغانستانی» نامیدن غیر قانونی کاندید سابق ریاست جمهوری لطیف پدram مربوط به رژیم وابسته به اتحاد شوروی سابق؛ همکار نجیب و شورای نظار فعلی، خود محکی بود درین مورد. دیده شد که موجبات خشم و اعتراضات مردم را شدیداً فراهم نمود و سبب ناکامی مطلق نامبرده و بیهویان «افغانستانی» وی گردید.

**دوم از نگاه حقوق جزا :** چونکه معضله استعمال کلمه «افغانستانی» پدیده جدید و وارداتی يك اقلیت کوچک و وابسته به خارج میباشد و از عمق اجتماع و کلتور اصیل افغانی نشأت ننموده است، هنوز بازخواست قانونی خاصی برای آن موجود نیست. ولی در آینده با پیروی از مواد قانون اساسی میتوان در چوکات قوانین عادی درین مورد اشد مجازات را پیش بینی نمود. چون استعمال غیر مجاز کلمه «افغانستانی» بر گروهی از افراد ملت واحد افغان نقیض قانون واقع میگردد، از هر نوع ارزش حقوقی مبراست. درین مورد قانون اساسی ۱۳۸۲ هجری شمسی مطابق به ۲۰۰۳ میلادی چنین صراحت دارد :

« هیچ شخصی نمیتواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند. فصل دوم - ماده ۵۹ » همه میدانیم که ترویج استعمال کلمه «افغانستانی» به منظور تفرقه اندازی بین اقوام شریف افغانستان یک پدیده وارداتی کاملاً پلان شده خارج بوده و اصلاً برای امحای وحدت ملی بوجود آمده است.

**سوم - از نگاه حقوق بین الدول :** درمورد روابط افغانستان با دنیای خارج، اعم از روابط دیپلوماسی و معاهدات فیما بین مملکتی و عضویت افغانستان در مؤسسات بین المللی از قبیل مؤسسه ملل متحد و امثالهم، همیشه مملکت ما بنام «افغانستان» و ملت ما بنام «افغان» رسماً پذیرفته و شناسایی شده است. بنابراین، جایی برای «افغانستانی» بودن قسمتی از «ملت افغان» در دنیای خارج، به هیچ وجه مطرح شده نمیتواند.

به وضاحت دیده میشود که طرفداران این مفکوره علی الرغم قلم فرسایی های بی موجب خویش، خود نیز در داخل مملکت و خارج به بی هویتی و «افغانستانی» بودن خود ها عملاً باور و اعتقادی ندارند. از تذکره هویت، پاسپورت و غیره اسناد رسمی و تجارتي در داخل مملکت، تا اسناد هویت از قبیل گرین کارت، قراردادهای و غیره در خارج افغانستان، شاهد این حقیقت میباشد که مبارزین و قلم بدستان «افغانستانی» توان اثبات ادعای بی اساس خود ها را نداشته و خویشان را رسماً و عملاً «افغان» مینامند. در مجادله ناکام اقلیت تفرقه اندازان، تعداد معدودی از نشرات بیرون مرزی از آن جمله دو هفته نامه معلوم الحال «امید» و تلوزیون کاملاً شناخته شده «خراسان» را که فعالیت کاملاً ضد ملی و پشتون ستیزانه دارند، باید نام برد که مذبحخانه در تلاش تبدیل اسم پر افتخار «افغانستان» به «خراسان»، تغییر لسان اصیل دری افغانستان به فارسی فرهنگستان ناکام ایران و تعمیل اطلاق کلمه «افغانستانی» بر قسمتی از ملت شریف «افغان» میباشد. در حالیکه، خوشبختانه اکثریت جراید، مجلات، نشرات تلوزیونی و سایت های ملی گرای داخلی و خارجی وابسته به منافع علیای کشور، در مبارزه دایمی برای استحکام وحدت ملی، تمامیت ارضی، امحای تفرقه اندازی و تبعیضات قومی و لسانی قرار دارند.

در پایان با قرائت این بیت پر معنی از مسدس جناب محمد اختر بره کی شما را به خداوند میسپارم

خانه ام افغان ستان و جمله اقوام وطن  
متحد بودیم، جان دادیم بر نام وطن  
صاحب این خانه ایم و خدام مام وطن  
قوم افغان را تو از هم تیت و پاشان میکنی  
خضم را کشتیم ما در کوچه و بام وطن  
خانه ویران، خانه ما را تو ویران میکنی

**زنده باد افغانستان!**  
**جاوید باد اتحاد ملت شریف و با شهامت افغان!**